

واکاوی سازوکارهای نظارت بر سازمان‌های اداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

وحید آرای^۱

سعید عسکری ماسوله^۲

چکیده

امروزه نظارت بر سازمان‌های اداری کشور و نقش آن در تأمین عدالت، برابری و تضمین کامل حقوق شهروندی و نیز تحقق دولت کارآمد انکارناپذیر است. هدف نظارت، اصلاح و بهبود است و اگر این ویژگی در نظام اداری موجود نباشد، سیستم دوام چندانی نخواهد داشت. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به واکاوی سازوکار و حوزه‌های نظارت بر سازمان‌های اداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد و به این یافته می‌رسد که اصل نظارت برای سالم سازی جریان قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از ارکان اساسی اداره امور کشور مورد تأکید قرار گرفته است چرا که با تضمین رعایت قوانین و مقررات، جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت و خارج شدن از حیطه صلاحیت و اختیارات و جبران خسارات وارده به شهروندان، به عنوان ابزاری برای تأمین درستی عملکرد نظام اداری به شمار می‌آید. در نظام حقوقی کشور سازوکارهای نظارتی متعددی برای نظارت بر اعمال اداری از طرق نظارت عمومی، اداری، سیاسی، تقنینی، امنیتی، مالی، عقیدتی و قضایی به وجود آمده که نظارت قضایی نسبت به سایر انواع نظارت‌ها از ضمانت اجرایی مناسب‌تری برخوردار است.

واژه‌گان کلیدی: نظارت، قانون اساسی، انقلاب اسلامی، سازمان‌های اداری.

۱- استادیار گروه مدیریت دولتی و خط مشی‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲- استادیار گروه مدیریت دولتی و خط مشی‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

s.askari@iauctb.ac.ir

(نویسنده مسئول)

مقدمه

نظارت یکی از با اهمیت‌ترین جریان‌هایی است که هر سازمانی برای تضمین بقا و اطلاع از کیفیت عملکرد و اجرای دقیق برنامه‌ها و سیاست‌های خود به آن احتیاج دارد و ضمن ایجاد هوشیاری در مدیران، به صحت و سلامت جریان عملیات و فعالیت‌ها کمک قابل توجهی می‌نماید. به منظور جلوگیری از انحراف‌های احتمالی در دروندادها، فرایندها و بروندادهای دستگاه‌های اداری در بخش‌های مختلف و ایجاد تحرک و پویایی در آنها، نظام‌های نظارتی ایجاد می‌شود تا با تمهیدات مستمر خود و ارائه بازخوردهای اصلاحی بر اساس شاخص‌ها و اهداف پیش‌بینی شده، ضمن فراهم کردن اطلاعات لازم برای سیاستگذاری مطلوب، زمینه‌های پیشرفت و بهره‌وری را فراهم نماید (Miner, 1982).

نظارت بر اعمال حکومت در توسعه سیاسی و ایجاد بینش و شعور سیاسی در مردم و در نتیجه، ارتقای کیفی همسویی بین مردم و دولت تأثیر مستقیم دارد به گونه‌ای که سطح همکاری‌های شهروندان و نهادهای دولتی گسترش یافته و مردم با آگاهی که نسبت به اعمال کارگزاران و نهادهای حکومتی به دست می‌آورند، در رفع عیوب و پیشرفت مسئولیت‌های دولت همکاری و همگامی خواهند داشت در حالی که بدون نظارت چنین انتظاری را نمی‌توان داشت. نظارت با سازوکارهای گوناگون، عملکرد حاکمان را در منظر و چشم انداز مردم قرار می‌دهد و مشروعیت سیاسی تضمین می‌شود. ارتقای کارآمدی دولت از اهداف مهم نظارت است که از این راه دولت می‌تواند توانمندی‌های خود را افزایش داده و از ظرفیت‌های بیشتر بهره‌برداری کند و با کشف افق‌های جدید از امکانات بالقوه، بر کارآمدی خویش بیفزاید. سازوکارهای مختلف نظارت، هر کدام به نوبه خود در کشف ذخایر پنهان و سرمایه‌های دور از دسترس موجود، راهگشا و مؤثرند و می‌توان با توجه به این نکته اساسی کارآمدی دولت را از اهداف نظام‌های هوشمند نظارت به شمار آورد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۵: ۸).

کنترل کمیت و کیفیت لازم برای رسیدن به نتیجه مطلوب در مجموعه فعالیت‌های یک سازمان، عملکرد و ابزار معین و ویژه‌ای را برای رسیدن به اهداف سازمان می‌طلبد که کمیت و کیفیت آن معین است. نباید مقادیر آن مغایر با ضرورت‌های حاکم بر آن مجموعه باشد. چه بسا کاهش و یا افزایش ناهمگون، موجب شود که مجموعه با وجود تمام فعالیت‌ها و ابزارهای موجود، در رسیدن به نتیجه مطلوب ناکام بماند. کنترل دائمی فرایندهای کمی و کیفی عملکرد و ابزار در قالب یک نظارت کامل، می‌تواند امنیت مجموعه را در ثمردهی مطلوب تأمین کند (رضائیان، ۱۳۴۴: ۲۴۹).

جلوگیری از نهادینه شدن فساد و انحطاط که بدون نظارت، هر نظامی همواره در معرض آن دو قرار دارد و ممکن است انحطاط و تنزل در بهره‌مندی از نیروها و امکانات مجموعه به تدریج ریشه دوانیده و در درازمدت نهادینه شود و هم فساد مدیران و کارگزاران رفته رفته عادی و سرانجام به یک روند طبیعی و ریشه‌دار مبدل شود. در حالی که با نظارت مداوم، تنزل بازدهی و رشد فساد مشخص رسیدگی می‌شود و این حالت مانع از نهادینه شدن آن دو خواهد شد (عمید زنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۷).

با توجه به مراتب فوق، این مقاله به دنبال بررسی سازوکار و حوزه‌های نظارت پس از انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۱. مبانی نظری؛ سازوکار و حوزه‌های نظارت پس از انقلاب اسلامی

۱.۱. مفهوم نظارت

نظارت از ماده «نظر» و به معنای «عمل ناظر و مقام او و نیز مراقبت در اجرای امور» آمده است (معین، ج ۴، ۱۳۶۰: ۴۷۴۶). مرحوم علی اکبر دهخدا نظارت را به «نگریستن در چیزی با تأمل، مراقبت و در تحت نظر و دیده‌بانی داشتن کاری، دیده‌بانی به سوی چیزی، چشم انداختن، حکومت کردن بین مردم و فیصله دادن دعاوی ایشان، یاری دادن و مدد

1- Monitoring.

کردن و کمک کردن و نیز به معنای چشم، بصر، دیده، فکر، اندیشه، تفکر، رویه، دقت، تأمل، تدبّر، خیال، وهم و اعتراض» آورده است (دهخدا، ج ۱۳، ۱۳۷۳: ۱۹۹۴۶). او ناظر را به معنای «نظر کننده، نگرنده، نگاه کننده، بیننده، شاهد و کنایه از جاسوسی، دیده‌بان و نگاهبان مطرح نموده است (همان، ۱۹۶۱۰).

میچل نظارت را فرایند مشاهده یا رسیدگی نظام‌دار فرایند یک محصول یا خدمت یا رفتار یا برنامه به منظور بررسی انطباق ضوابط مورد انتظار یا از پیش تعیین شده تعریف می‌کند که در نهایت به مداخله یا عدم مداخله می‌انجامد و هدف آن مهار شرایط است (میچل، ۱۳۷۷). «استونر» نظارت را فعالیتی منظم می‌داند که ضمن آن نتایج مورد انتظار در قالب استانداردهای انجام عملیات معین شده و سپس سیستم دریافت اطلاعات طراحی می‌گردد. سپس عملیات پیش‌بینی شده و انجام شده با هم مقایسه می‌گردند تا اختلافات و انحرافات را شناسایی و میزان اهمیت آنها مشخص شده و سرانجام اصلاحات لازم جهت تحقق اهداف و مأموریت‌های سازمان صورت پذیرد (Stoner, 1983).

۱,۲. ویژگی‌های نظارت

در هر نظارتی چهار رکن ناظر، عامل (نظارت شونده)، فرآیند تحقق نظارت (دیدن و کنترل آگاهانه امور) و ابزارها و شیوه‌های نظارت را می‌توان مؤثر دید. از این ویژگی‌ها به این خصیصه نیز می‌توان رسید که نظارت کنشی عامدانه و عالمانه است؛ از این‌رو هر نگاه تصادفی و از روی جهل را نظارت نمی‌نامند و از همین جاست که نظارت در علوم اجتماعی، سیاسی و مدیریتی، تخصصی است که افراد دارای استعداد مناسب باید این توانایی‌ها و قابلیت‌ها را طی دوره‌هایی کسب نموده و آموزش ببینند و در آن مسیر تربیت شوند تا از عهده مسئولیتی که برعهده آنها نهاده می‌شود، برآیند. در همه نظارت‌ها، فرض بر این است که عامل برحسب برنامه‌ای عمل کند و از این‌رو بر او نظارت می‌شود تا حرکت صواب و یا ناصواب او ثبت و درج شود. در هر ساختار نظارتی باید مجموعه‌ای از قوانین و مقررات وجود داشته باشد که در آن شیوه‌های نظارت، تحقیق، گزارش‌دهی و رسیدگی بر

عملکرد فعالیت موضوع نظارت با توجه به برنامه‌ریزی‌های از پیش تعیین شده، حدود اختیارات و مسئولیت‌های دست‌اندرکاران و جایگاه نظارت در کل نظام مشخص و معین شده باشد (احمدی، ۱۳۷۶: ۳۳). نظارت در جاهایی مطرح است که حرکتی علمی یا عملی، کمی یا کیفی، گسترده یا محدود، مخفی و یا آشکار و... متناسب با اهداف مقرر، در جریان باشد. از آنجا که حین عمل احتمال خطا و یا انحراف از مسیر می‌رود، از اینرو مورد نظارت قرار می‌گیرد. با همین مبنا در نگاه دینی از سوی خداوند و فرشتگان اعمال همه آدمیان و حتی معصومین مورد نظارت و کنترل است؛ چنانکه قرآن کریم در داستان یونس پیامبر به این نکته اشاره دارد که حرکت او مواجهه با قومش کنترل شد و او در ادامه مسیر، به خطای در حرکتش که تحت نظارت خداوند بود، واقف گردید و به خدا بازگشت و خداوند نیز اجابتش کرد و از اندوه نجاتش داد (منصورنژاد، ۱۳۷۸).

بر این اساس؛ اگر جوهره نظارت را به وجود فعالیت و تحرک بدانیم، هر چه حرکت بیشتر، گسترده‌تر، قوی‌تر و هر چه قدرت مانور عامل بیشتر باشد، نظارت جدی‌تری را نیز می‌طلبد؛ زیرا خطای بزرگان نیز بزرگ است. بر همین اساس در حوزه‌های سیاسی، حکومتی و مدیریتی هر چه مسئولان دارای وظایف سنگین‌تری باشند، نظارت بالاتر و دقیق‌تری را می‌طلبد. همچنین امر نظارت هم، خود نیاز به نظارت دارد؛ زیرا خود فعالیت نظارتی هم نوعی فعالیت و تحرک است.

۱,۳. حوزه‌های نظارت بر اعمال اداری پس از انقلاب اسلامی

مطالعه نظام قانونی نظارت بر سازمان‌های اداری در جمهوری اسلامی ایران بیانگر این حقیقت است که مجموعه کامل و حوزه‌های گوناگونی از نظارت وجود دارد و ممکن است هر کدام از حوزه‌ها، معیارها و شاخص‌های متمایز با حوزه‌های دیگر داشته باشند.

۱,۳,۱. نظارت همگانی / عمومی:

فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک کنش دینی- اجتماعی که ناشی از نوعی احساس مسئولیت‌پذیری در پیوندهای گروهی است، کارکردهای اجتماعی

مهمی را ایفا می‌نماید. تحقق سلامت و سعادت و رشد هر جامعه‌ای، منوط به توجه و اهتمام به نظارت همگانی از سوی اعضای جامعه می‌باشد (جوینی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶). نظارت عمومی مراقبت و مشاهده‌ای است که توسط همه مردم و برای تحقق ارزش‌های متعالی در جامعه اسلامی بر اساس قانون اعمال می‌شود. این نظارت توسط مردم و دولت نسبت به یکدیگر انجام می‌شود. موضوع نظارت معروف و منکر است. اعمالی که مطابق احکام شرع و قانون باشد معروف و در صورت مخالفت با احکام شرع و قانون منکر نام دارد. نظارت مردم بر دولت از طریق تشکیل احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های نظارتی و تبلیغی و آزادی بیان و مطبوعات و نشریات، رسانه‌های صوتی و تصویری و تظاهرات و اجتماعات قانونی و انتخابات صورت می‌پذیرد. نظارت نسبت به ناظر و نظارت شونده هم حق و هم تکلیف است مسئولیت در مقابل سرنوشت جامعه، ارزش‌های متعالی و موازین و اصول پذیرفته شده جامعه وظیفه همه است و همگان حق دارند که ارزش‌ها و اصول اعتقادی آنها مورد احترام واقع شود. دولت اسلامی موظف است با قانونمند کردن حق نظارت شرعی، از تبعات سوءاجرای نادرست آن توسط بعضی افراد ناآگاه غیرمسئول جلوگیری نماید. این امر موجب تقویت امر نظارت دولتی و مشارکت عموم مردم در سرنوشت جامعه، دمیدن روح بیداری و مسئولیت در همه افراد، گسترش نیکی‌ها و ریشه کنی بدی‌ها و اجرای کامل قانون خواهد شد (شریفی، ۱۳۹۷).

در اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

۱،۳،۲. نظارت سیاسی:

نظارت سیاسی، مطالعه، بازرسی و رسیدگی که از جانب نهادها و سازمان‌ها یا مقام‌های سیاسی کشور بر مراجع و نهادهای حکومتی و مستخدمان و اموال آنها صورت می‌گیرد تا از حسن جریان امور اطمینان حاصل شود. بنابراین هر کاوش و نگرشی که به حرکت

مجموعه اجزای حکومت از جانب هر عنصر با صلاحیت سیاسی انجام شود نظارت سیاسی گفته می‌شود. این نوع نظارت از سوی نمایندگان مردم در نهاد قانونگذار انجام می‌شود. پاره‌ای از مقامات حکومتی مانند رئیس‌جمهور و وزیران در مقابل نمایندگان مردم مسئولیت سیاسی دارند، به این معنا که نمایندگان بر عملکرد ایشان نظارت مستمر دارند و چنانچه این عملکرد را ضعیف و ناکارآمد تشخیص دهند، می‌توانند آنان را مورد سوال و استیضاح قرار دهند و در نهایت باعث شوند مقام و منصب سیاسی از ایشان سلب شود (اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی). پیداست در بسیاری از موارد مقام عزل شده ضرورتاً مورد بازخواست قضایی قرار نمی‌گیرد و صرفاً از دایره مدیران مورد اعتماد نمایندگان ملت خارج می‌شود. می‌توان گفت جوهر نظارت سیاسی ایفای نقش در به دست آوردن یا از دست دادن مقام و قدرت عمومی است.

معیار در نظام سیاسی ارائه یا رسیدن به گزینه‌های بهتر و رویکردهای جدید و نوگرایانه است و همواره با نقد همراه بوده و حالت گذر از وضع موجود به وضع مطلوب را در برگیرد. هدف نظارت سیاسی اغلب پیشرفت و نتیجه بهتر است. نهادها و ابزارهای پیش‌بینی شده برای نظارت سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: نظارت بر طرز کار قوای سه‌گانه (اصل ۹۰ قانون اساسی)، رأی اعتماد به وزیران (اصل ۱۳۳ قانون اساسی) نظارت از راه تذکر، سؤال و استیضاح (اصول ۸۸، ۱۲۲ و ۱۳۷ قانون اساسی)، نظارت از راه تحقیق و تفحص (اصل ۸۶ قانون اساسی)، نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی (اصول ۵ و ۱۳۸ قانون اساسی)، نظارت مجلس بر اساس اصول ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۳ و ۱۳۹ قانون اساسی، نظارت مطبوعات بر اساس اصل ۲۴ قانون اساسی، نظارت احزاب سیاسی و انجمن‌ها (اصول ۲۶ و ۲۷)، نظارت صدا و سیما (اصل ۱۷۵ قانون اساسی) و نظارت هیأت منصفه بر دادگاه‌ها (اصل ۱۶۸ قانون اساسی). (عمید زنجانی و موسی زاده، ۱۳۸۹: ۵۴).

۱,۳,۳. نظارت تقنینی:

نظارت تقنینی به معنای نظارت بر تقنین و در ذیل اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی به رئیس مجلس شورای اسلامی واگذار شده است. مصوبه هیئت وزیران، هم‌زمان با ابلاغ به دستگاه‌ها، باید به اطلاع رئیس مجلس برسد (پروین، ۱۳۹۴). این نوع نظارت، در حقیقت، یک بازبینی محتوایی است که از سوی مقامات تعیین شده در قانون اساسی و بر پایه موازین مقرر در همین قانون اعمال می‌شود. هم قوانین وضع شده از سوی قانونگذار عادی و هم مقررات تصویب شده به دست نهاد یا مقام غیر تقنینی (تقنین تفویضی) مانند هیئت وزیران، باید تحت بازبینی و نظارت قرار گیرد تا از عدم مغایرت محتوای آنها با موازین یاد شده اطمینان حاصل شود. در صورتی که مرجع ناظر تمام یا بخشی از محتوای قوانین و مقررات مصوب را مغایر با موازین معین شده در قانون اساسی بداند، آن بخش یا تمام مصوبه فاقد اعتبار قانونی خواهد بود. این نوع نظارت از ویژگی‌های خاص برخوردار است، به این معنا که صرف «تشخیص ناظر» کل فرایند نظارت و رسیدگی به نتیجه نظارت را تعیین و تکمیل خواهد کرد. در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان قانون اساسی (بر اساس اصل ۹۴ قانون اساسی) و رئیس مجلس شورای اسلامی (مطابق اصول ۸۵ و ۱۳۸ اساسی) موظف به نظارت تقنینی هستند.

۱,۳,۴. نظارت مالی:

منظور از نظارت مالی نظارت دولت بر فعالیت یک مؤسسه مالی است. هدف از این کار حمایت از قوانین و مقررات بخش مالی و در نهایت حفظ ثبات بازارهای مالی است. دولت با انتخاب روش بودجه‌ریزی عملیاتی و اجرای آن تلاش دارد جمع‌بندی تفصیلی از مجموعه فعالیت‌ها، نتایج و محصولات را در هر دستگاه اجرایی به دست آورد و قیمت تمام شده برای انجام فعالیت‌ها و محصولات ارائه شده متناسب با کیفیت و محل جغرافیایی آن را محاسبه کند و با تکیه بر شاخص‌ها و ملاک‌های به دست آمده بودجه سالیانه را

تنظیم کند. لزوم نظارت دقیق دولت بر مراحل اجرایی فعالیت‌ها و حسن اجرای آنها بایستی جدی تر و منطقی باشد تا تخصیص اعتبار متناسب با عملکرد و میزان تحقق نتایج صورت گیرد (فصلنامه نظارت مالی، ۱۳۹۷).

هدف در این گونه از نظارت، کنترل حساب هزینه‌های ارگان‌های حکومتی است که بنا بر اصل، به دست کارشناسان مالی و زیر نظر نمایندگان ملت انجام می‌شود. همان گونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده، تصویب حساب دخل و خرج یا بودجه کل کشور از جمله اختیارات انحصاری مجلس شورای اسلامی است (اصل ۵۲ قانون اساسی). بر همین اساس، نظارت بر هزینه کردن درآمدهای عمومی نیز به دیوان محاسبات، از نهادهای وابسته به مجلس شورای اسلامی سپرده شده است (اصل ۵۵ قانون اساسی). یکی از راه‌های کسب درآمد عمومی برای تأمین هزینه‌های عمومی، گرفتن مالیات از مردم است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت موضوع و جلوگیری از خودسری‌ها و تجاوز قوه مجریه به حقوق عمومی، وضع مالیات را در صلاحیت اختصاصی مجلس شورای اسلامی قرار داده و در اصل ۵۱ مقرر کرده است: هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود، مگر به موجب قانون، موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود. از سوی دیگر، یکی از مراحل اصلی بودجه، نظارت بر اجرای آن است که این امر، همانند نظارت بر تدوین بودجه، حق قوه مقننه محسوب می‌شود. این نظارت از باب اطمینان خاطر نسبت به اجرای دقیق و صحیح مصوبات بودجه است. مرحله نظارت بر اجرای بودجه و کار بررسی، نیازمند دقت فراوان و به مراتب بیشتر از مرحله تصویب است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امر نظارت بر اجرای بودجه را بر عهده دیوان محاسبات کشور قرار داده است. بنابراین، هدف و معیار اصلی در نظارت مالی و نظارت بر اجرای بودجه آن است که تصمیمات مجلس در زمینه بودجه، به نحو دقیق اجرا شود. یعنی مقامی که بودجه را تصویب کرده، باید مطمئن شود که اجرای بودجه به ترتیبی است که تصویب شده است. نظارت بر اجرای بودجه دارای یک هدف مالی هم

هست، یعنی منظور از نظارت، جلوگیری از افراط و تفریط در صرف بیت المال است. همچنین، به منظور رسیدگی به مخارج و پرداخت‌های دولتی، دیوان محاسبات کشور زیر نظر مجلس شورای اسلامی ایجاد گردیده است (اصل ۵۴ قانون اساسی). دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود (اصل ۵۵ قانون اساسی).

۱,۳,۵. نظارت امنیتی:

در این نوع نظارت هدف این است که از رهگذر بررسی و بازبینی اقدامات مقامات و نهادهای حکومتی و ارائه گزارش به مقامات صالح قضایی، با آن گونه اقدامات و جرایم که موجودیت دولت را به خطر می‌اندازد، مقابله و در بهترین حالت از بروز آنها جلوگیری شود. گفتنی است تنها بخشی از نظارت امنیتی بر قوای حکومتی اعمال می‌شود و دامنه آن تمامی شهروندان، نهادهای مدنی و البته دیگر دولت‌ها را نیز در بر می‌گیرد که موضوع بحث حاضر نیست. افزون بر این، شاید به دلیل آشنایی قوه مجریه با ظرایف و پیچیدگی‌های اجتماعی و وجود تخصص و تجربه لازم در این قوه است که امر نظارت امنیتی، به طور عام، به قوه مجریه سپرده می‌شود.

جرایم علیه امنیت، اعمال مجرمانه‌ای هستند که ارتکاب آنها باعث ایجاد هرج و مرج و ایجاد اغتشاش در نظم داخلی کشور می‌شود. این جرایم در قانون مجازات ایران تحت عنوان جرم محاربه، بغی و افساد فی‌الارض که در کتاب دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و جرایم علیه امنیت ملی که در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۵۷ و مواردی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح آورده شده است. جرایم

علیه امنیت به دو دسته جرایم علیه امنیت داخلی و جرایم علیه امنیت خارجی تقسیم می‌شوند (دادگران، ۱۳۹۸).

۱،۳،۶. نظارت انضباطی / اداری:

در مجموعه قوانین و مقررات گونه‌ای از نظارت وجود دارد که شاید بتوان آن را تحت عنوان نظارت اداری یا انضباطی دسته‌بندی کرد. در این جا دو نوع نظارت مطرح است: نظارت سلسله مراتبی و نظارت قیمومتی.

نظارت سلسله مراتبی به نظارتی اطلاق می‌شود که سازمان مرکزی به نهادها و واحدهای وابسته خود اعمال می‌کند. این نظارت که مبتنی بر نظام تبعیت^۱ است کارکنان مأمور را مکلف به اطاعت از دستورات و اوامر مافوق می‌گرداند. در نظام سلسله مراتبی، از آنجا که شخصیت حقوقی نهاد نظارت کننده (سازمان مرکزی) و نهاد نظارت شونده (واحد متمرکز) یکی است، نظارت شدید و روابط بین آنها طولی یا عمودی است. در نظام سلسله مراتبی اصل بر نظارت سازمان مرکزی است و این نظارت بر کلیه اعمال حقوقی و اجرایی واحد متمرکز صورت می‌گیرد و واحد متمرکز حق شکایت بسیار محدودی علیه سازمان مرکزی دارد. دولت یا سازمان مرکزی می‌تواند نظارت سلسله مراتبی خود را هم بر فعالیت‌ها و اعمال اداری و هم بر اشخاص اداری (کارکنان واحد متمرکز) اعمال کند.

نظارت قیمومتی به نظارتی اطلاق می‌شود که مقامات مرکزی نسبت به واحدهای غیرمتمرکز (جغرافیایی و فنی) اعمال می‌دارند. این نظارت مبتنی بر نظام هماهنگی^۲ یا همکاری است و کارکنان یک واحد غیرمتمرکز مستقیماً از دستورات مقامات مرکزی تبعیت نمی‌کنند. در نظارت قیمومتی، از آنجا که شخصیت حقیقی نهاد نظارت کننده (سازمان مرکزی) و نهاد نظارت شونده (واحد غیرمتمرکز) متفاوت است، نظارت خفیف و روابط بین آنها عرضی یا افقی است. در نظام قیمومتی اصل بر آزادی عمل واحد غیرمتمرکز است - مگر آنکه قانون مستثنی کرده باشد- و نظارت سازمان مرکزی صرفاً بر روی اعمال حقوقی واحد غیرمتمرکز

^۱Subordination.

^۲Coordination.

صورت می‌گیرد. با توجه به استقلال نسبی واحد غیرمتمرکز، این واحد از حق شکایت وسیعی علیه سازمان مرکزی برخوردار شده است. دولت یا سازمان مرکزی می‌تواند نظارت قیمومتی خود را هم بر اشخاص اداری (کارکنان واحد غیرمتمرکز) و هم بر فعالیت‌ها و اعمال اداری آنها اعمال کند (موسی‌زاده، ۱۳۸۲: ۹۷-۹۲).

به این ترتیب، نظارت سلسله‌مراتبی در چارچوب روابط درون سازمانی واحدهای متمرکز یعنی واحدهایی که تحت نظارت شدید قدرت مرکزی هستند، اعمال می‌شود مانند نظارت وزارتخانه‌ها بر واحدهای اداری تابعه خود. در حالی که نظارت قیمومتی در چارچوب روابط بین سازمانی یعنی روابط بین قدرت مرکزی با واحدهای غیرمتمرکز اعمال می‌شود مانند نظارت سازمان‌های مرکزی دولت بر فعالیت شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی کشور و... (عدم تمرکز جغرافیایی) و همچنین نظارت بر شرکت‌های دولتی، مؤسسات عمومی و... (عدم تمرکز فنی یا اداری).

مهم‌ترین شاخص‌های نظارت اداری عبارتند از:

الف) حاکمیت مقررات و آیین‌نامه‌های دولتی: قانونمندی اداری به معنای معیار قرار دادن آیین‌نامه‌ها و مصوبات اداری لازم‌الاجرا است. نظارت اداری شامل جرایم عمومی و تخلف از قوانین عمومی نیست، چرا که چنین نظارت و رسیدگی، موقوف به اعمال آنها از سوی نهادهایی است که دارای صلاحیت نظارت قضایی هستند. به هر حال هرگاه دستگاه نظارت‌کننده اداری، به چنین تخلفاتی و جرایمی برخورد کند، تنها کاری که می‌تواند انجام دهد ارجاع به مراجع ذیربط و به ویژه دادگاه صالح است و موارد تخلفات اداری به طور کامل مشخص و مجازات و مرجع رسیدگی به آنها هم تعیین شده است؛ بر اساس ماده ۲ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری مصوب مورخ ۱۳۷۸/۸/۴ هیأت عالی نظارت، تخلفات اداری به دو دسته قصور و تقصیر تفسیم می‌شود: الف) قصور عبارت است از کوتاهی غیر عمدی در انجام وظایف محوله. ب) تقصیر عبارت است از نقض عمدی قوانین و مقررات مربوط.

ب) ضمانت اجرا: مراجع نظارتی و رسیدگی اداری (هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری) فاقد ماهیت قضایی بوده و تنها به شکل انتظامی و انضباطی رسیدگی و نظارت می‌کنند و در صورت احراز تخلف اداری، اقدام به تعیین مجازات یا ابطال و اصلاح تصمیمات متخذه می‌کنند، پس نظارت اداری، دارای ضمانت اجرای شبه قضایی بوده و متخلفات به مجازات‌هایی از نوع اداری محکوم می‌شوند (ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲).

ج) رجوع به دیوان عدالت اداری: بی‌تردید نظارت و رسیدگی در دیوان عدالت اداری به طور کامل ماهیت قضایی داشته و آرای صادره از سوی شعب این نهاد جز در موارد مغایرت بین با قانون و شرع، قطعی است.

د) محدود بودن حوزه نظارت اداری: حوزه نظارت اداری برخلاف نظارت‌های سیاسی، حقوقی و قضایی بسیار محدود بوده و فقط اختصاص به تخلفات کارمندان دولت از مقررات داخلی دارد. به همین دلیل در حقیقت از مصادیق نظارت استطرادی و جانبی است. به هر حال محدود بودن حوزه نظارت اداری، شاخصی است که آن را از سه نوع نظارت دیگر متمایز می‌کند. با وجود این، گستردگی دستگاه‌های اجرایی و اداری به گونه‌ای است که به لحاظ کمی حجم رسیدگی به تخلفات انتظامی کارکنان دولت و اعمال اداری در حد قابل توجهی است.

۱,۳,۷. نظارت عقیدتی:

پاره‌ای از نظارت‌های موجود در مجموعه قوانین و مقررات نمایانگر گونه‌ای دیگر از نظارت در نظام حقوق اساسی است که می‌توان آن را نظارت عقیدتی نامید (از جمله اصل ۱۱۰ قانون اساسی). بر این اساس، مقام یا نهاد ناظر در پی حصول اطمینان از وفاداری نهادها و قوای حکومتی به ارزش‌های بنیادین قانونی اساسی، به ویژه ارزش‌های عقیدتی مندرج در این سند است. مقامات و نهادهای حکومتی باید این ارزش‌ها را به مثابه جهت اصلی و خط سیر کلی در نظر داشته باشند و آنها را در مقام برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، تدوین قوانین و

اجرا به کار بندند. روش‌های پیگیری و اثربخشی به این نظارت می‌تواند در قالب نظارت عمومی، سیاسی، تقنینی یا قضایی متجلی شود (راسخ، ۱۳۸۸: ۴۰-۳۳).

اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وظایف و اختیارات رهبر را شامل موارد زیر می‌داند:

تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، فرمان همه‌پرسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها، نصب و عزل و قبول استعفای: فقهای شورای نگهبان، عالیترین مقام قوه قضائیه، رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، رییس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه، حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد، عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتم و نهم، عفو یا تخفیف مجازات محکومیت در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

۱,۳,۸. نظارت قضایی:

نظارت قضایی بر اعمال دستگاه‌های اداری بر مبنای حاکمیت قانون، تکلیف مقامات و نهادهای عمومی به پاسخگویی و نیز استقرار مردم‌سالاری در دهه‌های اخیر تکوین و توسعه یافته است (آرایی و ملک محمدی، ۱۳۹۳: ۱). نظارت قضایی، نظارتی است که به وسیله قوه قضائیه بر سازمان‌های اداری اعمال می‌گردد تا از اختیارات قانونی خود تجاوز، تخطی و سوءاستفاده نکنند و حقوق افراد ضایع نشود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۸: ۴۲۰-۴۱۹). در

این نوع نظارت یک مرجع قضایی «اقدامات» یا «تصمیمات» قوه یا قوای حکومتی را کنترل و بازبینی می‌کند. در جمهوری اسلامی ایران این امر به قوه قضاییه - سازمان بازرسی کل کشور - سپرده شده است (اصل ۱۷۴ قانون اساسی).

مهم‌ترین شاخص‌های نظارت قضایی عبارتند از:

الف) قانونمندی: نظارت قضایی هم مانند نظارت حقوقی قانونمند و براساس قوانین و مقررات انجام می‌شود و هر نوع ارزیابی در نظارت قضایی تابع قانون و مقررات لازم‌الاجراء است. این ضابطه در نظام‌های حقوقی اسلام و هم رومی ژرمن، اصل تخلف ناپذیری است، اما در نظام کامن لا که مقررات تابعی از آرای قضایی است، اغلب وحدت رویه جایگزین قانون، ملاک عمل قضایی محسوب می‌شود. به هر حال در نظام قضایی اسلام و هر نوع نظارت قضایی با معیار قانون انجام می‌شود و در مواردی که قانون مدون یافت نشود و یا ابهام، اجمال و یا تعارض وجود داشته باشد، براساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم صادر می‌شود. همچنین تفسیر قانون در مقام دادرسی و تمییز حق با خود قضات رسیدگی کننده است (اصل ۷۳ قانون اساسی).

ب) فراگیر بودن: نظارت قضایی امتیاز فراگیر بودن را هم دارد. آن چنان که براساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، نظارت قوه قضاییه به طور فراگیر بیان شده و نظارت بر حسن اجرای قوانین به نحو عام‌الشمول و کلی به عنوان یکی از پنج وظیفه عمده قوه قضاییه شناخته شده است. در حالی که سایر نظارت‌ها (نظارت‌های اداری، مالی، سیاسی و ...) اصولاً موردی و ناظر بر امور خاصی است.

ج) تفسیر قانون توسط دادرسان: در نظارت قضایی که مرجع نهایی اعمال آن، دادگاه صالح است، تفسیر قانون در مقام دادرسی بر اساس اصل ۷۳ قانون اساسی بر عهده قضات و دادرسان خواهد بود، که در مقام دادرسی و انطباق قانون بر محتوای پرونده، قانون را بنا بر تفسیری که ارائه می‌دهند، اجرا خواهند کرد؛ زیرا قضات را نمی‌توان مجبور به ارجاع به

دیگری کرد و مقتضای اصل استقلال قضایی ایجاب می‌کند که دادرسی در دادرسی به استنباط خود و فهمی که از قانون دارد استناد کند.

د) تفکیک وظایف: در نظارت قضایی مسئولیت‌ها تفکیک شده و بخش بازپرسی و تحقیق از بخش قضاوت و صدور حکم جدا عمل می‌کنند، پس تحقیق و بازپرسی از یک سو و قضاوت از سوی دیگر، توسط دو شخص و دو مرجع انجام خواهد شد. به عنوان مثال در جرائم کیفری و جزایی، نخست ضابطان قضایی پس از اطلاع از وقوع جرم اقداماتی را به منظور حفظ آثار و علایم جرم و جلوگیری از فرار متهم انجام می‌دهند و مراتب را بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری به مراجع ذیصلاح (مقام قضایی یا دادرسی) اعلام می‌کنند. مرحله دوم مرحله تعقیب و تحقیق است که بر عهده دادرسی است که با تشکیل پرونده و جمع‌آوری دلایل بر له یا علیه متهم اظهار نظر شده و در مورد بزهکاری یا بی‌گناهی متهم تصمیم‌گیری می‌شود که بر عهده قضات دادرسی (دادیار یا بازپرس) است و در جرایم مهم علاوه بر تحقیقات دادرسی، تحقیقات تکمیلی توسط خود قضات دادگاه به عمل می‌آید. مرحله سوم، دادرسی است که صورت اعلام رأی از سوی دادگاه مشخص می‌شود و مرحله چهارم اجرائت است که بر عهده نهادهای اجرایی دادگاه‌ها می‌باشد. بنابراین نظام قضایی در جمهوری اسلامی ایران بنا به روال سنت متداول و عرف موجود در سطح بین‌المللی، بر اساس تفکیک مسئولیت‌های قضایی و به منظور نظارت بیشتر و دقیق‌تر قضایی تنظیم شده است (قانون اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸).

نتیجه‌گیری

نظارت نقش عمده‌ای در بهبود کارکردها، تغییر ساختار و اصلاح یک حکومت بازی می‌کند؛ هدف از ایجاد نهادهای نظارتی، کنترل انحراف‌های احتمالی در دروندادها، فرایندها و بروندادهای دستگاه‌های اجرایی در بخش‌های مختلف است تا از طریق ارائه بازخوردهای اصلاحی بر اساس شاخص‌ها و اهداف پیش‌بینی شده، ضمن فراهم ساختن

اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری مدیران، اصلاحات لازم در ارکان اصلی هر نظامی را اعمال و از هدر رفتن منابع و امکانات جلوگیری نماید. نظام جمهوری اسلامی ایران، یک نظام مردم سالار دینی است که مشروعیت حاکمیت آن به اراده الهی است. ماهیت این نظام اقتضا می‌کند که قانون اساسی آن متأثر از پایه‌های حکومت اسلامی باشد و قانون‌گذاری آن که بیانگر ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت جریان یابد و افراد صالح عهده‌دار حکومت و اداره کشور شوند؛ به صورتی که احکام اسلامی در همه امور جامعه و رفتار متقابل مردم و دولت اجرا گردد. از اینرو، به منظور رعایت احکام شریعت اسلامی و تحقق آن در چارچوب حاکمیت الهی، نظارت در جامعه از ماهیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که نظارت در صورتی که کارشناسانه و همه جانبه باشد نه تنها حسن اجرای قوانین و مقررات را تضمین می‌کند؛ بلکه نقاط قوت و ضعف آنها را آشکار کرده و در جهت تصحیح و بهبود آن ارائه طریق می‌نماید (شاه علی، ۱۳۹۸: ۱). از این رو، بهترین روش برای مبارزه با بی‌قانونی و سوءجریان در اداره امور کشور و موثرترین تدبیر برای پیشگیری از بروز جریان ناسالم، وجود نظارت مستمر است. نهادهای نظارت و بازرسی در هر کشوری تضمین‌کننده سلامت دستگاه‌های اداری و دولتی است و به عنوان رشته‌های اعصاب حاکمیت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. ویژگی این نهادها، واکنشی است که نسبت به وجوه مثبت و منفی عملکرد دستگاه‌های دولتی نشان می‌دهند و از این طریق موجب سالم سازی نظام اداری در کشور می‌شوند. در نظام حقوقی کشور سازوکارهای متعددی برای کنترل و نظارت جامع و فراگیر بر اعمال اداری با سازوکار نظارت عمومی، اداری، سیاسی، تقنینی، امنیتی، مالی، عقیدتی و قضایی به وجود آمده و نهادهایی در ذیل قوای سه گانه کشور نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور و غیره نیز برای این منظور ایجاد شده‌اند. نظارت قضایی بر سازمان‌های اداری کشور نسبت به سایر انواع نظارت‌ها از ضمانت اجرایی مناسب‌تری برخوردار است؛ چرا که قوه قضاییه در این گونه موارد احکام لازم الاجرا صادر می‌کند.

منابع

- ۱) احمدی، مرتضی (۱۳۷۶). «ساختار نظارتی در تشکیلات جمهوری اسلامی ایران»، **مجموعه مقالات نخستین همایش نظارت و بازرسی در کشور**، تهران، سازمان بازرسی کل کشور.
- ۲) آرای، وحید و حمیدرضا ملک محمدی (۱۳۹۳). «بررسی مبانی نظارت قضایی بر اعمال دستگاه‌های اداری و ارزیابی الگوهای نظارتی در نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا»، **فصلنامه حقوق تطبیقی**، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۷۶-۱۵۵.
- ۳) استونر، جیمز و ادوارد فریمن (۱۳۷۵). **مدیریت رفتار سازمانی (جلد ۳)**، ترجمه سیدمحمد اعرابی و علی پارسائیان، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۴) پارسونز، وین (۱۳۸۵). **مبانی سیاستگذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها**، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵) پروین، خیرالله (۱۳۹۴). «حدود نظارت تقنینی بر مصوبات هیئت وزیران با تأکید بر اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۵، شماره ۱، صص ۸۲-۶۳.
- ۶) جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۳، شماره ۸، صص ۶۵-۸۹.
- ۷) جهانگیری، سعید و اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷). «بررسی تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۲، شماره ۶، صص ۵۵-۷۷.
- ۸) جوینی پور، سیما، سهیلا پیروزفر و محمدحسن رستمی (۱۳۹۶). «بررسی نقش و تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در تقویت سرمایه اجتماعی»، **اسلام و علوم اجتماعی**، سال نهم، شماره ۱۷، صص ۱۳۶-۱۱۷.
- ۹) چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده‌های سیاستگذارانه پسا دفاع مقدس در حیطه روابط خارجی ایران»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۲۷-۱۴۴.
- ۱۰) خدابخشی، لیلیا؛ ازغندی، علیرضا و هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای راهبرد ایران و عربستان در بحران سوریه با تکیه بر نظریه نواقح گرای»»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ۵، شماره ۳، صص ۲۱-۴۷.

- ۱۱) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). **لغت‌نامه**، تهران: دانشگاه تهران.
 - ۱۲) راسخ، محمد (۱۳۸۸). **نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی**، تهران: انتشارات دراک.
 - ۱۳) رضائیان، علی (۱۳۴۴). **اصول مدیریت**، تهران: دانشگاه تهران.
 - ۱۴) زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.
 - ۱۵) شاه‌علی، احمدرضا (۱۳۹۸). «شیوه‌های نظارت و اعمال آنها در نظام مردم سالار اسلامی از منظر قانون اساسی»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۵۵-۳۱.
 - ۱۶) شریفی، عباس (۱۳۹۷). **نظارت همگانی و متقابل بین مردم و دولت در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و ارتباط آنها با مقوله‌های آزادی و مسئولیت**، مجتمع آموزش عالی قم.
 - ۱۷) طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۵). **حقوق اداری تطبیقی**، تهران: سمت.
 - ۱۸) **فصلنامه نظارت مالی** (۱۳۹۷). «کنترل و نظارت مالی و غیرمالی و نظارت بر عملیات در بودجه‌ریزی عملیاتی».
 - ۱۹) کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، **دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان، صص ۱۴۰-۱۱۹.
 - ۲۰) منصورنژاد، محمد (۱۳۷۸). «فلسفه نظارت»، **مجله حکومت اسلامی**، شماره ۳۳.
 - ۲۱) مؤسسه حقوقی دادگران (۱۳۹۸). «جرائم علیه امنیت ملی»، سایت <https://www.dadgaran.com>
 - ۲۲) موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۲). **حقوق اداری (۱-۲): کلیات و ایران**، تهران: نشر میزان.
 - ۲۳) میچل، ترنس آر (۱۳۷۷). **مردم در سازمان‌ها؛ زمینه رفتار سازمانی**، ترجمه حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد.
 - ۲۴) نصیری، سوناز (۱۳۹۸). «نقش قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی عراق)»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۹، شماره ۱، صص ۲۶۵-۲۸۷.
- 25) Stoner, J.A. (1983). *Management*, N.Y. Prentice-Hall.